

تیپ‌شناسی تطبیقی شخصیت ملک‌الشعرای بهار و فدوی طوقان از خلال زندان سروده‌هایشان براساس مکتب انیاگرام احمد لامعی گیو*

دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، ایران.
(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۰۸، تاریخ تصویب: ۹۹/۱۱/۰۴، تاریخ چاپ: بهار و تابستان ۱۴۰۱)

چکیده

واژگان شعر، تجلی‌گر شخصیت شاعر است؛ زیرا آینه احساس و تخیلش بوده و از محتوای شخصیتش مایه می‌گیرد. پس پردازش مضامین شعر، می‌تواند ما را با برخی زوایای شخصیت شاعر، آشنا کند. این تجلی، به مرزهای سیاسی و جغرافیایی محدود نیست؛ از این‌رو در حوزه ادبیات تطبیقی می‌توان به مقایسه مضامین شاعران پرداخت تا همسانی‌ها و ناهمسانی‌های شخصیت آنان را تا اندازه‌ای درک نمود. مکتب انیاگرام به معرفی تیپ‌های نه‌گانه شخصیت و ویژگی‌های هر یک پرداخته است. بنابر اصول انیاگرام، هر شخصی فقط دارای ویژگی‌های یک تیپ می‌باشد. ملک‌الشعرای بهار، ادیب ایرانی و فدوی طوقان، شاعر فلسطینی، با توجه به مسائل سیاسی، اجتماعی و مشکلات جامعه، سروده‌های بسیاری را به ادبیات پایداری اختصاص داده‌اند. پژوهش حاضر کوشیده است تا بارزترین مضامین زندان سروده‌های این دو شاعر را، به‌ویژه هنگام پیکار، تبعید و زندان، با رویکرد تحلیلی-تطبیقی و بنابر مکتب انیاگرام، بررسی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهمترین موضوعات مشترک حبسیات این دو شاعر، دادخواهی، استبدادستیزی، آگاه‌سازی، پاسداشت آرمان‌ها، تکریم شهیدان و... است که مبین مسئولیت‌پذیری، پشتکار، واقع‌بینی و جمع‌گرایی شخصیتی آنهاست.

واژگان کلیدی: ملک‌الشعرای بهار، فدوی طوقان، زندان سروده، مکتب انیاگرام، ادبیات تطبیقی.

۱. مقدمه

با وجود مضامین یکسان در شعر برخی از شاعران، گاه دو شاعر از دو سرزمین را از یک محیط می‌پنداریم. وجود این تطابق در مضامین سبب شده که ادبیات تطبیقی در عرصه‌های گوناگون و مهمی وارد شود؛ «ادبیات تطبیقی تحت تأثیر صورت‌گرایان و نقد نو به‌وجود آمد و اخیراً بیشتر بر نظریه و تجدید تأکید دارد. قریب دو‌یست سال است که ادبیات تطبیقی نه تنها در برگیرنده نظریه‌های زیباشناسی و مطالعات هنری است، بلکه به جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی مردم‌شناسی نیز توجه دارد». (مقدادی ۱۳۳). یادکرد این نکته ضروری است که مکتب فرانسه، نخستین مکتبی بود که در زمینه ادبیات تطبیقی در اواخر قرن نوزدهم، ابراز رویکرد نمود. این مکتب، «تفاوت‌زبانی» و وجود «روابط تاریخی» را دو شرط اساسی برای تطبیق دو ادب محسوب می‌نماید. در این مکتب آنچه مورد توجه است، تنها ادبیات و آثار ادبی می‌باشد؛ یعنی دیگر رشته‌های دانش بشری، جایی در این مکتب ندارند. این در حالی است که براساس مکتب آمریکایی، ادبیات تطبیقی، تحلیل و بررسی ادبیات در ورای مرزهای یک سرزمین است و پیوند ادبیات با سایر علوم و زمینه‌های دانش بشری را مورد واری قرار می‌دهد (خطیب ۴۹، ۸۷، راجحی ۱۷، ساجدی صبا ۲۲). این بدین معناست که حتی اگر آثار ادبی دو سرزمین، دارای بعد زمانی و اختلاف تاریخی و فرهنگی هم باشند، باز هم از دیدگاه ادبیات تطبیقی قابلیت بررسی را دارا هستند.

ادبیات پایداری، نیز گرایشی است که توان فکری و پایداری یک ملت یا قوم را در برابر هرگونه تجاوز و ستم به نمایش می‌گذارد. با نگاهی به ادبیات کشورهای ایران و فلسطین، درمی‌یابیم که این نوع از آثار نزد آنها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شرایط حاکم بر دو کشور و وجود موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی مشابه، سبب ایستادگی آنان در برابر استبداد داخلی و خارجی گردید. زندان‌سروده‌ها از شواهد و نمودهای مقاومت و مبارزه مردم دردمند دو کشور و فریاد مقاومت و عدالت‌خواهی جان‌های فرهیخته‌ای است که به دلایل سیاسی، اجتماعی و اعتقادی، در میان دیوارهای زندان، محصور مانده‌اند (آباد ۱۱).

وجود مضامین مشترک در زندان‌سروده‌ها که بخش وسیعی از ادبیات پایداری فارسی و عربی

را به خود اختصاص داده، تجربیات و افکار مشترک را تداعی می‌کند. شاعران عرب و فارس، در این زمینه اشعاری با مضامین مشترک سروده‌اند که بررسی آنها، برخی ویژگی‌های شخصیت شاعران را عرضه می‌نماید و تیپ شخصیتی آنان را به ما معرفی می‌کند. آگاهی از شخصیت شاعر، رویکرد او نسبت به محتوای اشعار و زمینه فکری او را به مخاطب نشان می‌دهد و ابزاری برای قضاوت سره‌گی یا ناسره‌گی شعر اوست.

ملکشعراى بهار، شاعر برجسته‌ی عصر مشروطه بود که دوران زندان و تبعید را با سروده‌هایی دقیق و پرتأثیر، به تصویر کشید. وی انسان آزادمنشی بود که به میهنش علاقه‌ای وافر داشت و از سنت‌های اصیل و هویت ملی دفاع می‌کرد. او از تلاشگران راه آزادی و از روزنامه‌نگاران پرمایه و تاریخ‌نگاران بزرگ معاصر ایران بود.

فدوى طوقان، نویسنده و شاعر فلسطینی، به‌عنوان نماینده و الگوی شعر پایداری بانوان در ادبیات معاصر عرب شناخته می‌شود که نقش مهمی در ترسیم مجاهدت‌های ملت فلسطین در مبارزه علیه اشغالگران ایفا کرد. وی به سرودن شعرهای میهنی روی آورد و تلاش نمود تا رنج‌های مردمش را با منتهای فکر و هنرش، به تصویر کشد. او به‌عنوان شاعر مسئولیت‌پذیر، با سرودن اشعاری آمیخته به اندوه ناشی از اشغال سرزمینش، جوانان را به پایداری و مبارزه برمی‌انگیخت.

مضامین اشعار بهار و فدوى طوقان، نمایانگر افکارشان است و مخاطب را با شخصیت آنان در عرصه‌های مبارزاتی اعم از نبرد، زندان و تبعید آشنا می‌سازد و می‌بیند که آنان در قبال سرزمین و هم‌وطنانش چگونه عمل می‌نمایند. این شناخت، در پرتو مکتب انياگرام (Enneagram) صورت می‌گیرد که به معرفی تیپ‌های شخصیتی افراد می‌پردازد و ویژگی‌های سالم و ناسالم آنان را برمی‌شمارد. پی بردن به شخصیت کلی بهار و طوقان از تراوش‌های دربندشان، ما را با مضامین دیگر سروده‌های آنان آشنا می‌سازد. هم‌چنین تصویرگر فضای سیاسی و اجتماعی زمان آنان و رفتار حاکمان و مردمان است.

۴-۱. پیشینه پژوهش

درباره مضامین زندان‌سروده، پژوهش‌هایی در دو ادب عربی و فارسی انجام شده است؛ از

آن‌جمله: سالم المعوش در کتاب *شعر السجون فی الأدب العربی الحدیث والمعاصر* (۲۰۰۳م)، به معرفی بارزترین شاعران و بررسی مضامین زندان‌سرودها در دوره‌های مختلف تاریخی، به‌ویژه دوره معاصر، می‌پردازد و به ابعاد فنی این نوع ادبی نیز اشاره می‌نماید. این اثر، چراغ راه این پژوهش نیز قرار گرفت. مرضیه‌آباد در کتاب *حبسیه‌سرایی در ادب عربی* (۱۳۸۰ش) بیشتر به بررسی ابعاد و زمینه‌های شعر زندان پرداخته و بحث تطبیقی و مقایسه‌ای در آن بسیار کمرنگ است. صادق ابراهیمی کاوری و رحیمه چولانیان، در مقاله‌ای با عنوان «مضامین و موضوعات مشترک در حبسیه‌های فارسی و عربی». (۱۳۷۸ش) با بیان برخی مبانی نظری درباره زندان‌سروده، برخی مضامین مشترک میان شاعران دو ادبیات را معرفی می‌نمایند. آن‌دو شواهدی از اشعار بهار را نیز مطرح می‌کنند که بیشتر درباره زندان است و به مضامین والای مقاومت و مبارزه پرداخته نشده است.

تا آنجا که مطالعات نشان می‌دهد تاکنون پژوهش علمی مستقلی، درباره مضامین اشعار پایداری به‌ویژه بندمویه‌ها، با رویکرد تطبیقی و در جهت بررسی شخصیت این‌دو شاعر، انجام نشده است؛ لذا پرداختن به این مقوله، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو پژوهش حاضر در پستی‌نبارزترین مضامین آوازه‌های در بند این‌دو شاعر می‌باشد و بر آن است که با روش تحلیلی-تطبیقی، به شیوه کتابخانه‌ای و براساس نظریه‌ی ادبیات تطبیقی مکتب فرانسه و تیپ ششم انیاگرام، ویژگی‌های شخصیتشان را از لابه‌لای سروده‌هایشان، با طرح این پرسش که مهم‌ترین مضامین زندان‌سروده‌های دو شاعر چیست؟ وجوه اشتراک و افتراق مضامین آنان کدامند؟ و مضامین زندان‌سروده‌های دو شاعر، معرف کدام ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد؟ را بررسی و تحلیل نماید.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. مکتب انیاگرام

شخصیت افراد مختلف طبق نظریه روانشناسی جورج ایوانوویچ جورجیوف (George Ivanovich Gurdjieff) عارف، فیلسوف، معلم معنوی و آهنگ‌ساز ارمنی-یونانی، بیشتر انسان‌ها هوشیاری یک‌پارچه ندارند و در وضعیت خواب و بیدار زندگی می‌کنند. روش

جورجیوف برای بیدار کردن آگاهی فرد، روشی به نام «راه چهارم». نام دارد (نات ۱۳، ۱۸۹) که به نه دسته یا تیپ تقسیم می‌شود. این تیپ‌ها به سه مثلث مغز، دل و اراده تعلق دارند که هر کدام برای سه تیپ، حائز اهمیت هستند؛ در هر تیپ شخصیتی، یکی از این مراکز در اولویت قرار دارد؛ به بیان دیگر، هر کسی (هرگونه شخصیتی) از یکی از این مراکز بیشتر استفاده می‌کند (زالی ۶-۸). هیچ کدام از این تیپ‌ها نشانه‌ی برتری بر دیگران نیستند. تیپ‌ها مثل نه اتاق است که وقتی به دنیا می‌آییم، بنابر شرایط جسمی، ژنتیکی و محیطی، در یکی از آنها قرار می‌گیریم. انسان در ۲۰ سالگی ساکن دائم یکی از این اتاق‌هاست (دقیقیان ۸۵؛ زالی ۱۰) و درون همان اتاق، می‌تواند مراحل مختلف رشد در نوسان باشد (کاراندیش ۵۶).

تیپ‌های مکتب انیاگرام، هر یک ویژگی‌های مختص و حالت‌های سالم و ناسالمی دارند؛ البته برخی ویژگی‌ها میان تیپ‌های هم‌جوار مشترک است و چنین برداشت می‌شود که تیپ‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ویژگی‌های هر یک از تیپ‌ها، به قرار زیر است:

تیپ یکم، فردی با تأثیرگذاری قوی، نکته‌بین، عدم بروز احساسات ظاهری، ناظم، تصحیح کننده دیگران، اصلاح طلب، کمال‌گرا، منطقی، هدفمند و خوددار است. در حالت ناسالم، فرد خیلی کوتاه‌فکر، متعصب و انعطاف‌ناپذیر است؛ خود را عادل و پرهیزکار می‌داند. مطلق فکر می‌کند، در قضاوت خیلی سخت‌گیر، اعمالش را توجیه می‌کند، ریاکار و افسرده است.

تیپ دوم: در حالت سالم، فردی مددکار و یاری‌رسان است، بی‌توقع به دیگران خدمت می‌کند، به خوبی به حرف دیگران گوش می‌دهد، تسلی‌دهنده دیگران، بازگوکننده جزئیات زندگی، مبلغ خوب، مهربان و دلسوز است.

تیپ سوم: موفقیت طلب، روابط عمومی عالی، مقایسه‌گر، افراط در مدیریت و استرس‌زا، وفاداری کم، شهرت طلب. ویژگی‌های این تیپ در حالت ناسالم، بدین قرار است: ترس از شکست و تحقیر، گراه‌کننده و غیرصریح، کینه‌ای و حسود (آهنگر ۱۰۲).

تیپ چهارم: درون‌گرا، علاقه به عشق و احساسات، خلاق، هنردوست، هنرمند، توانا در کاهش دردهای دیگران، توجه زیاد به همدردی، احساس عدم درک شدن توسط دیگران. ویژگی‌های حالت ناسالم این تیپ، عبارتند از: خودخوری و عصبانیت از خود به هنگام محقق نشدن رؤیا، گوشه‌گیر، شرم‌منده از خود، سرزنشو تحقیر خود، مأیوس و دچار شکست عاطفی.

تیپ پنجم: کنجکاو، مشاهده‌گر، عاشق مطالعه، کم‌حرف و متفکر، آرشیوساز، بسیار مطلع، محقق، دوست ندارد برای کسی وقت و انرژی خود را صرف کند، اما خود و دانش خود را در خدمت بشریت می‌گذارد، ضعیف در حضور جمع، گوشه‌گیر. ویژگی‌های حالت ناسالم این تیپ: منزوی، غیرعادی و پوچ‌گرا، روحیه ناپایدار، افکار تهدید آمیز و خطر اقدام به خودکشی. تیپ ششم مکتب انیاگرام، با عناوین وفاخو و وفاجو، اهل وفا و شکاک، منصف و عدالت‌خواه، معرفی می‌شود. از جمله ویژگی‌های این تیپ، عباتند از: قابل اعتماد، با احساس، راسخ و پایدار، محتاط، مدعی حق، باتدبیر، شکاک، هدایتگر، مدافع همفکران، دوستدار دوستان، سخت‌گیر، متعصب، منفی‌باف و مستبد (افخمی و جعفری ۲۶).

تیپ شش می‌گوید: باید امنیت و اطمینان را در دنیایی خطرناک و غیرقابل اطمینان به‌دست آورید. بنابراین بصری، کنجکاو، قابل اعتماد، دوستانه و حلال مشکلات خوبی است و شاید شکاک، اتهام‌زننده و هراسان باشد (زالی ۵۹). البته این ویژگی‌های منفی، نسبی است و هدف آن، دشمنان و بدخواهان می‌باشد؛ پس نباید همیشه جزو آفت‌های تیپ ششم به‌شمار آورد. «شش‌ها از ادراک و هوش خود برای فهمیدن دنیا و دوست یا دشمن استفاده می‌کنند. تمرکزشان روی حفظ امنیت گروه یا جامعه است. شش‌ها در پیش‌بینی مشکلات و یافتن راه‌حل، خوب عمل می‌کنند» (۶۲).

تیپ هفتم، بدین قرار است: خوش‌باش، خوش‌گذران، دارای غم پنهان ولی شاد و سرحال، بیزار از محیط افسرده و یکنواخت، چندکاره، دوستدار شور و شوق و هیجان. این تیپ در حالت ناسالم، این ویژگی‌ها را دارند: رفتار بچه‌گانه و پیرو هوس‌های آنی، گریز از خود، خارج از کنترل، مدمی مزاج، ترس از محیط بسته.

تیپ هشتم: حامی، رئیس، مبارز، باشهامت، اهل مشاجره و مجادله، تلاش در احقاق حقوق دیگران، رک‌گویی و رک‌خواهی، تمایل به مطلع شدن از عقاید دیگران، تمایل به کسب و کار مستقل، قدرت‌طلب، سلطه‌گر. حالت ناسالم این تیپ، بدین شکل است: دیکتاتور و ستمکار، مقاومت در برابر اصلاح و کنترل، توهم نسبت به شکست‌ناپذیری، ترس از تسلیم. تیپ نهم: میانجی، مصلح، حفظ‌کننده آرامش به هر قیمتی، خوش بیان، دید آسان به زندگی،

دارای حس همدردی بدون توقع، مشاور و میانجی خوب. ویژگی‌های این تیب در حالت ناسالم، عبارتند از: به شدت عقب مانده، نابالغ و بی‌ثمر، لجباز و کله‌شوق، عدم علاقه به عوامل تأثیرگذار بر خود، گیج و سرگردان، بی‌هدف و بی‌انگیزه (آهنگر ۱۳۹). بی‌تردید واکافت شاعران از میان اشعارشان، پژوهشگر را یاری می‌رساند تا بهتر و آسوده‌تر بتواند به ویژگی‌های شخصیت آنان پی ببرد؛ شخصیتی که طی سال‌های متمادی زندگی آنان، شکل گرفته است. از آن جمله فدوی طوقان و ملک‌الشعراى بهار هستند که آگاهی از پیشینه آنان، ما را برای درک مفهوم اشعارشان و نیز ویژگی‌ها فردی آنان، یاری می‌رساند.

۳- شناخت‌نامه محمدتقی بهار و فدوی طوقان

محمدتقی ملک‌الشعراى بهار در ۱۲۶۵ش/۱۸۸۶م در مشهد مقدس متولد شد. از کودکی با الفبای شعر و شاعری آشنا گشت و علاوه بر پدر، «تحصیلاتش را نزد ادیب نیشابوری و بهار شیروانی ادامه داد و انتخاب تخلص «بهار». گویا به همین دلیل بود». (فرضی و علیپوران لشکرشکن ۳). بهار در نوجوانی به محافل آزادی‌خواهی خراسان راه یافت. اندیشه‌های آزادی خواهانه‌اش را در روزنامه‌ی خراسان انتشار می‌داد. در ۱۳۲۸ش روزنامه «نوبهار» را منتشر کرد که سال بعد با نام «بهار» انتشار یافت. وی در مقاله‌هایش مردم را به مبارزه با ظلم و استعمار فرامی‌خواند. بهار سرانجام در ۱۳۳۰ شمسی درگذشت.

آثار بهار که از انسجام کلام، سادگی، روانی و جامعیت برخوردارند، عبارتند از: کتاب سبک‌شناسی، دیوان اشعار، مقالات سیاسی-اجتماعی، تاریخ احزاب سیاسی، تصحیح آثاری چون: تاریخ سیستان، مجمل التواریخ والقصص، جوامع الحکایات ولوامع الروایات.

زندگی بهار اغلب در مجلس، وزارت، زندان، تبعید و گوشه‌نشینی گذشت؛ او هیچ‌گاه «گوهر طبعش را به پای خوکان نریخت و عزت نفس را قربانی مطامع دنیایی نکرد و به آبادکردن زندگی اقتصادی خود نپرداخت». (امین مقدسی ۶۲). بهار به واسطه‌ی مبارزات سیاسی و دفاع از عقاید آزادی‌خواهانه‌اش، مدتی تحت‌نظر شهربانی قرارگرفت و چندین بار زندان و تبعید شد؛ تبعید به تهران (۱۳۳۰ش) در ماجرای اولتیماتوم روسیه‌ی تزاری به ایران، شش‌ماه تبعید در بجنورد (۱۳۳۳ش)، «سه ماه تحت‌نظر بعد از کودتای ۱۲۹۹ش در تهران و یکی از نقاط

شمیران، یک ماه حبس در تهران (۱۳۰۸ش)، پنج ماه زندان (۱۳۱۲ش) و پس از آن، تبعید به اصفهان». (آرین پور، ۴۷۵-فرضی و علیپوران لشکرشکن، ۳).

زرین کوب گفته است: «در آن هنگام که سخنور از همه کوشش‌ها و تلاش‌ها برای رهایی، خسته و درمانده شد و دری را برای بیرون پریدن از قفس زندان باز ندید، یأس و بدبینی تمام وجودش را فرا می‌گیرد و به چنین توهمی دچار می‌شود که مگر عمر او تا روز مرگ، وقف زندان خواهد بود». (۱۲۴).

اما فدوی عبدالفتاح طوقان، متولد ۱۹۱۷م، در شهر نابلس، در خانواده‌ای مبارز، اصیل، توانمند، ادیب و وطن‌دوست پرورش یافت. از شخصیت‌های برجسته‌ی خانواده‌اش در علم و ادب، برادرش ابراهیم است؛ فدوی تمام زندگی اجتماعی، فرهنگی و ادبی‌اش را مدیون او می‌داند (السوافیری ۱۶۸، المعوش ۶۷۶، کامل الیسوعی ۸۴۸).

فدوی به‌خاطر جو فرهنگی جامعه‌اش، فقط تحصیلات ابتدایی را گذراند؛ لذا نزد برادرش ابراهیم، که از شاعران و نویسندگان معاصر بود، دانش‌های ادبی و فرهنگی بسیاری آموخت؛ او با مطالعات وسیعی که در شعر معاصر عرب و غرب داشت، توانست صاحب‌نظر شود. فدوی در انگلیس (۱۹۶۲-۱۹۷۴) در رشته‌ی زبان انگلیسی تحصیل کرد. سپس به نابلس بازگشت و به‌همراه برادرش، به فعالیت ادبی پرداخت (همانجا).

او با آفرینش اشعار زیبا، در راه آزادی وطن با مبارزان فلسطینی همراه شد و نامش را در زمره شاعران مقاومت فلسطین، جاودانه کرد. وی در سال ۲۰۰۳ در زادگاهش درگذشت. طوقان طلایه‌دار شعر زنان عرب در دوره معاصر است؛ «او بسیاری از تجربه‌های شعر زنان در زمینه عشق، انقلاب و جنبش اعتراضی‌شان علیه اجتماع را پایه‌گذاری نمود». (الجبوسی ۳۳۹). وی سرودن شعر را با گرایش رماتیک و در قالب اوزان سنتی آغاز کرد؛ سپس به شعر «حر» روی آورد. مضمون اصلی اشعارش، ایستادگی و مبارزه است. «عشق به میهن را با احساسات زنانه آمیخت. گاه موطن دردمندش را مادری می‌بیند که رنج زاییدن نسلی مبارز را تحمل می‌کند. گاه آنرا زنی می‌یابد که دورافتاده از معشوق اسطوره‌ای خود، در چنگال بیگانگان اسیر است». (قهرمانی و قهرمان پور ۳).

آثار فدوى طوقان دو گونه هستند: (۱) آثار منظوم: *ديوان، وحدى مع الأيام، وجدتها، أعطنا حبا، أمام الباب المغلق، الليل والفرسان، على قمة الدنيا وحيدا* و نیز دو ديوان *ينبوع الألم أشواق الحياه* که هنوز چاپ نشده است (المعوش ۶۷۶؛ السوافيرى ۱۷۹). (۲) آثار مثنوی: *أنحى ابراهيم، رحله جبليہ رحله صعبه، الرحله الأصعب (الجیوسی ۳۲۶، کامل الیسوعى ۸۵۱)*. پرواضح است که دو شاعر، مدتی را در شرایط سخت زندان و تبعید گذرانده‌اند و با توجه به شرایط حاکم بر دو کشور، مانند جریان مشروطیت در ایران و جنبش انتفاضه در فلسطین، به نظر می‌رسد که مضامین همسانی را در اشعار خویش جای داده‌اند که از رهاورد این مضامین، ویژگی‌های شخصیتی آنان قابل بررسی می‌باشد.

۴- ویژگی‌های فدوى و بهار در زندان‌سروده

با تأمل در سروده‌های این دو شاعر، روشن است که در رسالت مبارزاتی و سیرت انقلابی خود هم‌افق بوده‌اند و ویژگی‌های شخصیتشان را نمایان کرده‌اند که در این مجال به تبیین و تحلیل آنها می‌پردازیم.

۴-۱- شکرگزار و قدردان

وطن برای هر انسان آزاده‌ای، مقدس و محترم و از مهم‌ترین دلایل زندانی شدن شاعران است. فلسطین در اندیشه و اشعار فدوى طوقان جایگاه رفیعی دارد؛ «وی سیاست‌مداری بی‌باک است که بدون در نظر گرفتن منافع شخصی، حوادث را به صراحت نقد و بررسی می‌کند. وی تعهدش را به میهن، از راه اندیشه، احساس و هنر، در مسائل و موضوعات ملی و انسانی مردم، دردها و آرزوهایشان نشان داده است». (سیدی و سالم ۱۹۳). «یا فلسطین! إطمئنی/أنا والدار وأولادی قرابین خلاصک/نحن من أجلک نحیا ونموت»^۱ (طوقان، دیوان ۵۴۵). تیب ششم این‌گونه متعهد و مسئولیت‌پذیر است و با پشتکار و تلاش بی‌وقفه، برای آرمانش می‌کوشد.

۱. ای فلسطین در آرامش و آسوده‌خاطر باش/من و خانه و فرزندانم، قربانی آزادی توهستیم/ما به خاطر تو زنده هستیم و جان می‌سپاریم.

فدوی طوقان بنابر تیپ شخصیتش، مهربان است و همفکرانش را دوست دارد؛ زمانی که فدوی هموطنانش را در چنگال اشغالگران و شهرش را ویران می‌یابد، در میان سکوت غم‌انگیز همه‌گیر، می‌سراید: «إختفت الأطفال والأغانی/لاظلم، لاصدی/والحزن فی مدینتی یدب عاریا/مخضب الخطی/والصمت فی مدینتی،الصمت کالجبال رابض،/کاللیل غامض، الصمت فاجع - محمل/بوطأة الموت وبالهزیمه/أواه یا مدینتی الصامتة الحزینة/أهکذا فی موسم القطاف/تحترق الغلال والثمار». ^۲ (طوقان، دیوان ۴۸۲).

تیپ ششم تلاش می‌کند شبکه‌ای از اعتماد را روی پس‌زمینه‌ای از بی‌ثباتی و ترس بنا کند (زالی ۶۰) طوقان وطن را هم‌چنان زنده و تپنده می‌بیند و کودکان و ترانه‌هایش نابود نشده‌اند. هنوز هم درختانی وجود دارد که میوه می‌دهد و زندگی در جریان است؛ چراکه در ادامه می‌سراید: «هبی وسوقی نَحونا السحاب یا ریح/وأنزلی الأمطار/تطهر الهواء فی مدینتی/وتعسل البیوت والجبال والأشجار». ^۳ (۶۰).

۲. کودکان و ترانه‌ها، از دیدگان مخفی شدند/ نه هیچ سایه‌ای نمایان است و نه هیچ پژواکی/ و اندوه، هویدا و عریان در شهر من گام می‌کوبد، با قدم‌های خونین/ و سکوت در شهر من فراگیر شده، سکوت همچون کوه‌ها در کمین نشسته است/ و همچون شب مرموز / سکوت نابودگر و سنگین است و بار سنگین مرگ و شکست را می‌کشد/ صد آه و افسوس، ای شهر ساکت و اندوهگین من/ آیا این‌گونه در موسم میوه‌چینی، میوه‌ها و غله‌ها سوزانده می‌شود؟...

۳. ای بادها! بوزید و ابرها را به سوی ما بیاورید/ باران را فرو ریزید/ هوای شهرم را پاک گردانید/خانه‌ها و کوه‌ها و درختان را بشویید.

باد نویدبخش و باران در این قطعه، گویای امید شاعر برای تغییر شرایط و پاک گشتن سرزمین-شان از گام‌های خونین اشغالگران است.

بهار علاقه‌اش به وطن را با تمام احساسش توصیف می‌نماید و در سروده‌هایش، مضامین عشق به وطن تبلور می‌یابد؛ از ویژگی‌های شخصیت او، علاقه‌ی راسخ به اعتقاد و آرمان است و بیشتر از دیگر تیپ‌های شخصیتی، به دوستان و اعتقادات خود وفادار می‌ماند (۵۹):

ای خطه ایران مهین، ای وطن من	ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من
ای عاصمه دنیی آباد که شد باز	آشفته کنارت چو دل پر حزن من
دور از تو گل و لاله و سرو و سمن نیست	ای باغ گل و لاله و سرو و سمن من
بس خار مصیبت که خلد دل بر پای	بی روی تو، ای تازه شکفته چمن من

(۲۸).

وی علاقه‌اش به وطن را امری ذاتی و درونی می‌داند و آن‌را در جان و تنش حس می‌کند؛ تمام تلاش و تمرکز او، جلب امنیت برای جامعه و وطن است. قالب مهیج و حماسی ابیات و و محتوای آن، نشان می‌دهد که وطن برای بهار، چندان ارزشمند است که جان‌ش را برای وطن فدا می‌کند. بهار قصیده‌ی «آمال شاعر» را در بیان آرمان‌های وطن‌پرستانه‌اش سرود و نشان داد که مطابق با شخصیتش، انسانی وفادار و متعهد به آرمان است:

ای روی تو چونان که کنی تعبیه در باغ	یک دسته گل سوری بر سرو برومند
جز یاد تو از نای من آواز نیاید	هرچند نمایند جدا بند من از بند

(۱۰۴).

فدوی طوقان و بهار، وطنشان را دوست دارند، به مردم و آرمان‌هایش وفادارند و این وفاداری را در اشعارشان به‌سهولت و روشنی می‌توان دید. این از ویژگی‌های تیپ ششم است که از عمق فکر و احساس، به مکان یا گروه خاصی ابراز وفاداری و عشق می‌کنند و در پی امنیت و آرامش آن هستند.

۲-۴- مبارز و حق‌طلب

با گسترش مبارزات مردمی علیه اشغال‌گران، بیشتر شاعران دربند و رنجور، شعر و مضامینشان را از قیام انتفاضه الهام گرفتند و زبان به ستایش ایستادگی مردم گشودند. فدوی طوقان در قصیده‌ی «هو هی». ، از شعر به‌عنوان وسیله‌ای مهم و کارآمد نام می‌برد که دیوارهای نفوذناپذیر زندان را درنوردیده و انتفاضه‌های متعدد خلق می‌کند: «من جدار ضخیم مضت أغنیاتی/تخطئه فی تحد مثلی/کم فتاه رأی بشعری انتفاضات/رؤها الحبیسه المکتومه/کان شعری مرآة کل فتاه/وادالظلم روحها المحرومه».^۴ (طوقان، دیوان ۲۹۹).

او در سروده‌ی «حمزه». ، مقاومت مثال‌زدنی شهید حمزه را به‌عنوان نمونه‌ای از مبارزان فلسطینی به تصویر می‌کشد: «فتح الشرفات حمزه/تحت عین الجند للشمس وکبر/ثم نادى/یا فلسطین اطمئنی/أنا والدار وأولادی قرابین خلاصک/نحن من أجلک نحیا و نموت».^۵ (طوقان، دیوان ۵۴۵).

فدوی همانند دیگر افراد تیپ شش، برای تضمین امنیت و توجیه وفاداری، احساسات مثبت را به یک رابطه‌ی اقتدار بیرونی نسبت می‌دهد (زالی، ۶۳) و آن را شعر می‌داند.

بهار نیز همانند هر مبارزی، فریاد بیزاری از استبداد را سر می‌دهد. ویژگی تیپ بهار چنین است که شجاعانه در برابر استبداد می‌ایستد و قاطع و صریح می‌سراید:

در عرصه گیسر و دار آزادی فرسود به تن، درشت خفتانم

تیغ حدثان گسست پیوندم پیکان بلا بسفت استخوانم

۴. ترانه‌های من، از دیوار ضخیم زندان با شتاب گذشت/ و از آن فراتر رفت، تا همچون مرا به مبارزه فراخواند/ چه دخترکان جوانی که به‌خاطر شعر من در رؤیاهای پنهان و خفقان/ جنبش و انتفاضه را به خواب دیدند/ شعر من آئینه هر دخترک جوانی است که ستم، روح محرومش را زنده به گور کرده است.

۵. حمزه بالکن‌ها را پیش چشم سربازان دشمن/ رو به خورشید باز کرد و تکبیر گفت/ سپس فریاد زد/ ای فلسطین! آسوده‌خاطر باش/ من، خانه و فرزندانم برای آزادی تو قربانی می‌شویم/ ما به خاطر تو زنده هستیم و جان می‌سپاریم.

گفتم که مگر به نیروی قانون آزادی را به تخت بنشانم
(۱۴۶).

او همواره «با تیغ زبان و تیر شعرش، استبداد و استعمار را نشانه می‌گرفت». (امین مقدسی ۶۲) و با یادآوری گذشته درخشان تاریخ ایران، مردم را به مبارزه علیه بیگانگان دعوت می‌کرد و بنا بر ویژگی تیپ خود، نقش هدایتگر و راهنما را ایفا می‌نمود:

آن روز چه شد کایران ز انوار عدالت چون خلد برین کرد زمین را و زمن را؟
آن روز چه شد کایران ز انوار عدالت گلرنگ ز خون پسران دشت پشن را
(۲۰۶)

هر دو شاعر تلاش می‌کنند که تا رسیدن به نتیجه مطلوب، از پای ننشینند. طوقان بیشتر از زبان مبارزان سخن می‌گوید؛ گویا خودش در صف اول مبارزه است؛ بهار بیشتر از بیرون به مبارزان نگاه می‌کند و درباره آنها می‌سراید. در هر صورت، هر دو انفعالی، جسور و مبارز هستند. چنین افرادی در بهترین حالت، از نظر درونی پایدار و متکی به خود هستند و شجاعانه از خود و دیگران دفاع می‌کنند.

۳-۴- راهبری و هدایت

شاعر متعهد می‌کوشد تا با زنده نگه داشتن روح امید، مجاهدان و مبارزان را به سمت پیروزی هدایت کند. این خصیصه تیپ ششم است که در سازماندهی و تعیین ساختارها برای داشتن امنیت و ثبات، به دنبال اتحاد و قدرت می‌گردند (زالی ۶۴). فدوی طوقان در قصیده «الفدائی و الأرض»، ندای جهاد و مقاومت را سر می‌دهد و افسوس و نوحه‌سرایی را راه نجات نمی‌داند: «أجلس کی أكتب، ماذا أكتب؟/ما جدوی القول/یا أهلی، یا بلدی، یا شعبی/ما أحقر أن أجلس

کی أکتب/فی هذا الیوم هل أحمی أهلی بالكلمة؟/هل أنقذ بلدی بالكلمة؟/کل الکلمات الیوم/ملح لا یورق أو یزهر/فی هذا اللیل». ^۶ (طوقان، دیوان ۵۰۴).

او در قصیده «إلیهم وراء القضبان». یادداشت مقاومت یک زندانی را توصیف می‌کند: «فی نصف هذا اللیل آه/حذاؤه یدق فی الدهلیز آه/مبتدع التعذیب/آت و تدنینی خطاه/من غرفه التحقیق آه/من زمن الکابوس والجحیم والصراع/توحشی ما شئت/فلن ینز من دمی جواب». ^۷ (طوقان، دیوان ۶۱۵).

مبارزه با ظلم، با فکر و احساس شاعران انقلابی عجین است. در سال ۱۲۸۹ش که بنیان مشروطیت هنوز استحکامی نداشت، نفاق و فساد در کشور رواج داشت و سیاست خارجی به هرج و مرج داخلی دامن می‌زد. بهار شعر «وطن در خطر است». را در خراسان منتشر کرد که میزان تأثرش را از این اوضاع آشفته به خوبی نشان می‌دهد:

در عرصه گیر و دار آزادی فرسود به تن، درشت خفتانم

تیغ حدتان گسست پیوندم پیکان بلا بسفت استخوانم

گفتم که مگر به نیروی قانون آزادی را به تخت بنشانم

(۱۴۶).

«موقعیت خاص جغرافیایی ایران، ضعف شاهان قاجار و شکست‌های ایران از روسیه تزاری، توجه استعمارگران را به ایران جلب کرد. بهار با آگاهی سیاسی کوشید تا نگرانی

۶. می‌نشینم تا بنویسم، چه بنویسم؟/ سخن چه سود؟/ ای خانواده‌ام، ای سرزمینم، ای کشورم/ چه بی‌فایده است که در چنین روزی بنشینم و بنویسم/ در این روزگار، آیا خانواده‌ام را با کلمات حمایت کنم؟/ آیا سرزمینم را با کلمات نجات دهم؟/ تمام کلمات در این روزگار، شوره‌ای است/ که برگ و باری نخواهد داد، در این شب (...).

۷. در نیمه‌های این شب، آه / صدای کفش او در راهرو می‌پیچد، آه/ مامور شکنجه/ می‌آید و گام‌های مرا به اتاق بازجویی نزدیک می‌کند/ به زمان کابوس و جهنم و درگیری نزدیک می‌کند/ هرچقدر می‌خواهی وحشی‌گری کن/ که هرگز از خون من جوابی تراوش نخواهد کرد.

عمیقش را از سیاست‌های استعماری نشان دهد و آنان را از دخالت در امور کشور برحذر دارد». (فیاض ۲۹۱). او در قصیده «صفحه‌ای از تاریخ»، بنابر ویژگی تیب شخصیتی خویش، با صراحت، شجاعت و تردید نسبت به بیگانه، ابراز می‌نماید که حضور بیگانگان چیزی جز زیان نیست:

ظلمی که انگلیس درین خاک و آب کرد نه بیوراسب کرد و نه افراسیاب کرد

از جور و ظلم تازی و تاتار درگذشت ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد

کرد انگلیس آن همه بیداد و بر سری اخلاق ما تباه و جگرها کباب کرد
(۵۶۸)

فدوی طوقان و بهار از شاعران آگاهی بوده‌اند که به معرفی پدیده استعمار پرداخته‌اند. آنها برای مبارزه، به آگاه‌سازی مردم و برانگیختن آنها، دعوت به اتحاد، تحقیر استعمار با زبان طنز و نکوهش استعمارگران، پرداختند. این‌ها نمود بارزی از تیب ششم است که با مراقبت و کنترل دقیق اوضاع و افراد، نسبت به حضور بیگانگان، تردید دارند و آن‌را به سود مردم وطنشان نمی‌بینند و در برابر آن‌ها، حالت تدافعی دارند.

۴-۴- آگاهی‌رسانی

رفتار ظالمانه اشغالگران در فلسطین و کشتار مردم مظلومش، طوقان را به بازگو نمودن این جنایات سوق می‌دهد؛ او شکیبایی را رمز آزادی می‌داند و معتقد است که تجاوز و کشتار دشمن، بر مقاومت مردم می‌افزاید و آنان را به خیزش وامی‌دارد: «فلتنهر کما تشاء هذه الصخور/ولتنهر کما تشاء هذه الأحجار/فالنهر ماض، راکض لی مصبه/وخلف منحنی الدروب، فی /رحابه المدی/یتنظر النهار/من أجلنا یتنظر النهار».^۸ (طوقان، الأعمال الشعریة الکامله ۴۹۲).

۸. پس اجازه بده فرو ببارند این صخره‌ها/ و این سنگ‌ها همان‌طور که می‌خواهند/ رود به راهش می‌رود، به سوی پای‌رود می‌شتابد/ و در پس پیچ کوچ‌ها/ درپهنای بی‌انتها/ روز منتظر است/ روز به خاطر ما منتظر است.

اشعار فدوی طوقان، از زمره شاعران شهیر نسل اول ادبیات مقاومت فلسطین (نجم ۳۰)، در آگاهی بخشی به مردم و دعوتشان به مقابله با اشغالگران، آن قدر نقش آفرین بود که رژیم صهیونیستی را به ممانعت از برگزاری سمینارهای شعری او واداشت. چنان که دیان، وزیر دفاع اسبق این رژیم اظهار کرد: «هر قصیده‌ای از فدوی طوقان، انقلابی تازه در زایش دهها مجاهد به جنبش مقاومت را به دنبال دارد». (کامبل الیسوعی ۸۵۰). این عملکرد طوقان، بیانگر ویژگی مسئولیت پذیری، شجاعت، صراحت، تردید به بیگانه، مبارزه‌ی بی وقفه و اعتقاد راسخ به آرمان‌ها، در تیپ ششم است.

«بهار در بیشتر حوادث سیاسی-اجتماعی آن روزگار، شعر سروده و موضع گیری کرده است». (امین مقدسی ۶۳). او می خواسته به مخاطب بفهماند که باید هوشیار و آگاه باشد و نسبت به رخدادهای پیرامونش، شک و تردید کند و در برابر ظالمان از حقوق خود شجاعانه دفاع نماید. تفکر، شجاعت و تردید، از ویژگی های تیپ شخصیتی اوست. «بهار فقط به نفی استبداد درون کشور نمی اندیشد. او جهان اسلام را یکپارچه می بیند». (۶۹) این توجه به آرمان های انسانی و پیگیری امنیت و آرامش برای تمامی مردمان، از ویژگی های تیپ شخصیتی ششم به شمار می رود:

پادشه خود را مسلمان خواند و سازد تباه
خون جمععی بی گناه

ای مسلمانان در اسلام این ستمها کی رواست
کار ایران با خداست
(۱۳۷).

بهار تمام کشورها و سرزمین های اسلامی را دارای روح واحد می داند و بدین گونه، ویژگی تیپ خود را مبنی بر توجه به اتحاد و آرمان جمععی، بروز می دهد:

هند و ترکیه و مصر و ایران
تونس و فاس و قفقاز و افغان
در هویت دو، اما به دین، یک
مختلف، تن ولی متحد، جان

جملگی پیرو دین احمد جملگی تابع نص قرآن
مسلمی گر بگرید به طنجه مؤمنی نالد اندر بدخشان

(۶۵۸)

بهار در زمینه آگاهی مردم، تمام تلاش خود را به‌کار می‌گیرد؛ وی ملت را سازنده سرنوشتشان می‌داند. او و طوقان که تیپ ششم هستند، کوشا و مسئولیت‌پذیرند و خود را به‌عنوان شاعر، موظف می‌دانند تا مردم را آگاه و متحد نمایند. آنان داعیه‌ی مبارزه با ناامنی هستند و شعرشان را برای بیداری مردم به خدمت می‌گیرند و با روحیه تیمی فوق‌العاده، سربازی وفادار و دوستی خوب برای مردمشان هستند تا نگذارند در غفلت از میان بروند.

۴-۵- آرمان‌گرا و ارج‌گذار

مفاهیمی چون شهادت و شهید، از چنان جایگاه والایی برخوردار است که شاعر مقاومت آرزو می‌کند کاش خود در میدان مبارزه حضور یابد و به درجه رفیع شهادت نایل آید. فدوی طوقان با صراحت بیان می‌دارد که هیچ‌گاه پرچم نبرد و ستیز با خودکامگی بر زمین نمی‌ماند. او به مستبدان تردید دارد و معتقد است که تلاش استبداد برای از بین بردن آوازه‌ی آزادی‌خواهان، بیهوده است. تقسیم اطرافیان به دوست و دشمن و یاری به دوستان و مبارزه با دشمن، از ویژگی‌های تیپ ششم است. در قصیده‌ی «خمس أغنیات». می‌سراید: «الریح تنقل الریاح/وأرضنا تهزها فی اللیل/رعشهُ المخاض/ویقنع الجلاذ نفسه/بقصهُ العجز، بقصهُ الحطام والآنقاض/یا غدنا الفتی خبر الجلاذ/کیف تکون رعشهُ المیلاد/خبره کیف یولد الأفاح/من ألم

الأرض، وكيف يبعث الصباح/من وردة الدماء في الجراح».^۹ (طوقان، الأعمال الشعرية الكاملة ۴۹۰).

طوقان در قصیده‌ی «إلى الشهيد وائل زعتير». که در سوگ شهید وائل زعتیر سرود، شهادت را برایش عزت و احترام ابدی می‌داند: «یا بعیدا، یا غریبا، نم علی الصدر الذی/یفتحه عیبال من أجلک أسند/رأسک الشامخه اليوم إلى القبة/فالصخرة فالقدس احتوتک الآن/حین الموت أعطاک الحیاة».^{۱۰} (طوقان، دیوان ۶۱۰).

بهار برای بزرگداشت مقام شهید، تشویق مردم به دفاع و مقاومت در برابر ظلم، اشعار عرفانی زیبایی سروده است که ویژگی شجاعت و هدایتگری او را با اعتقاد راسخ به آرمانش همراه می‌نماید:

می‌رسد فضل شهادت رادمردی را که هست در رضا و لطف او از باغ رضوان بی‌خبر
او در شهادت شهید مدرس ۱۳۱۶ش، شعری را می‌سراید و می‌گوید که خون مبارز، سرآغاز
مبارزه‌ای بزرگ علیه ستم و استبداد است:

تا بخل و حسادت به جهان راهبر است / خون جمع‌ی بی‌گناه

خون تو مدرسا هدر گشت بلی / خونی که شبی گذشت بر وی هدر است
(۶۵۳).

۹. باد کرده می‌پراکند / و شب‌هنگام، سرزمین‌مانرا در دزاییدنبه لرزه می‌افکند / و جلادببخودش قصه‌ی ناتوانشدن، قصه‌ی خاکسترشدن و پیرانیرامی قبولانند / ای فردای جوان‌ها، جلادرا خبربیر / کهر عشه‌ی میلادچگونه است / خبربیر چگونه‌یهاهاز در دزمینمی‌روید / و چگونه‌یها مادانا از گل‌زخم هادر جراحی می‌روید.

۱۰. ای که دور از مایی و در قلب ما / بر سینه‌ی کوه عیبال که به خاطر تو آن را گشوده است / بخواب. سرت را با غرور به قبه‌ی الصخره در قدس تکیه بده که از هم‌اکنون تو را در بر گرفته است / آن‌زمان که مرگ، زندگانی دوباره به تو ارزانی داشت.

شاعر با لحنی حماسی بیان می‌کند که تأثیر خون شهیدان، پیام پیروزی و فرارسیدن روزهای خوب و بیان غم و اندوه است و موجب روییدن گل‌های امید در قلب آزادگان می‌شود؛ تردید نسبت به بنیان استبداد و نفرت از آن، از ویژگی‌های شخصیت اوست:

وی کودک نالان پدر کشته‌ی مسکین زاری مکن امروز که روز دگر آید

گر خون خیابانی مظلوم بجوشد سر تا سر ایران کفن سرخ پوشد
(۷۲۰).

تجلیل از کسانی که در راه عقیده خویش به جهاد برخاسته و به خون غلتیده‌اند و تقدیس شهادت، به‌عنوان یک فرهنگ اصیل، در شعر عربی و فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد و دو شاعر ایرانی و فلسطینی و در جای‌جای اشعارشان کوشیده‌اند که پاسدار خون شهیدان باشند. وفاداری به مبارزان و شهیدان، از بدیهی‌ترین ویژگی‌های تیب ششم می‌باشد و این تیب، نام خود را (وفاخو و وفاجو) از همین خصلت گرفته است. طوقان و بهار، خود را نسبت به مجاهدان و آرمانشان، متعهد می‌دانند و بسیار به آن تعهد وفادارند.

۶-۴- تلاش برای دادخواهی

عدالت از جمله مفاهیمی است که ابعاد و گستره آن، همه افراد بشر را به تحسین وامی‌دارد. طوقان در «الی وجه الذی...». بیان می‌کند که اگر اعمال کافران باعث رفتن آنان به دوزخ گردد، فرجام گناه ما که وطن را به دروازه دوزخ بدل کرده‌ایم چیست؟ باید سکون و آرامش بر آن حاکم شود و همه ملت به عدالت روی آورند؛ وی در پی کسب امنیت و آرامش برای مردم و جامعه خویش است: «آه یا حبی الغریب/آه یا حبی لماذا؟/وطنی أصبح بابا لسقیر؟/التفاح صار

اليوم/زقوما، لماذا/لم يعد ضوء القمر/مستحما لبستاتين الزهر؟/ آه يا حبي لماذا/هجر الله بلادى؟ لماذا/حبس النور، تخلى عن بلادى/لبحار الظلمات؟»^{۱۱} (طوقان، الأعمال الشعرية الكاملة ۴۸۰). طوقان در قصیده «بعد الكارثة». بر سرزمین تاراج‌رفته خود حسرت و افسوس می‌خورد؛ سرزمینی که روح مرگ و نابودی بر آن سایه افکنده است و استعمارگران و سرکشان بی‌رحم بر آن گام نهاده‌اند. او سرنوشتی را که بر حال نزار هموطنانش رحم نمی‌کند، مورد سرزنش قرار می‌دهد (مظفری و همکاران، ۵۷۵): «يا وطنی، ما لك یخنی علی / روحك معنى الموت معنى العدم.../جرحك ما اعمق اغواره/ کم یتنزی تحت ناب الالم»^{۱۲} (طوقان، دیوان ۱۳۷) فدوی طوقان در انتظار برقراری عدالت و نابودی ستمکاری است تا سرزمینش را از رنج و درد تهی ببیند و آنرا آسوده و در امان بیابد.

سخن از عدالت، در اشعار بهار نیز از بسامد بالایی برخوردار است. از آنجاکه رسیدن به عدالت، یکی از اهداف جنبش مشروطه‌خواهی در ایران بود، عواملی مانند ظلم و بی‌عدالتی، سبب شد که عدالت یکی از مضامین اصلی شعر بهار قرار گیرد و این همان آرامشی است که افراد تیپ شخصیتی شش، برای دوستانان می‌خواهند و برای رسیدن به آن، با شجاعت و صراحت، به نبرد با ناآرامی و ستم می‌روند:

ملک عروسی است عدل و دادش کا
در ده کابین و شو مر او را داماد
(۱۸).

بهار در ابیاتی هنرمندانه، ضمن بیان بیدادگری در جامعه، گوشه‌هایی از سختی‌هایی را که در نتیجه بی‌عدالتی در تبعید، زندان و... چشیده است، بیان می‌کند؛ وی بنا بر شخصیت خود،

۱۱. آه ای عشق غریب من / آه عشق من چرا / وطنم دروازه دوزخشده است؟ / و چرا درختسبب امروز ز قوم شده است چرا؟ / چرا مهتاب، گرمابه بستان‌ها نیست؟ / آه عشق من چرا؟ / چرا خدا میهن مرا وا گذاشته است؟ / چرا روشنی را از آن گرفته / و وطن مرا به دریای ظلمات سپرده است؟

۱۲. میهنم تو راجه شده است؟ درحالی‌که معنای مرگ و نیستی، تو را مصیبت‌زده کرده است. زخم‌تچقدر عمیق و ریشه‌دار است! چه زمان از زیر دندان‌های تیز درد و رنج، برمی‌جهد؟

نفرت و انزجار را از ناملايمات ابراز می‌نماید تا توجه و اعتماد مخاطب را به خود و اشعارش جلب نماید:

از پس یکسال و اندی رنج، کاندلر ملک ری قسمت او فر مرا، جز نعمت او فر نبود

لشگر روس از در قزوین به ری راندند و من سوی قم راندم ازان کم‌تاب آن لشکر نبود
(۳۷۸).

طوقان و بهار در شعرشان تحقق عدالت را آرزو می‌کردند تا بساط بیداد را برچینند و عدالت را در زمین جای نهند. از دیدگاه فدوی طوقان باید مبارزه علیه ظلم استمرار داشته باشد تا اشغالگران، سرزمین فلسطین را رها کنند و عدالت حقیقی به‌وجود آید. بهار نیز در پی آگاه‌سازی مردم و انتقاد از اوضاع ناگوار است. هر دو عدالت‌خواه هستند و بنا بر تیپ شخصیت ششم، با پشتکار و جدیت، در جهت دستیابی به آرمانشان، از هیچ تلاشی دست نمی‌کشند و برای رسیدن به آن، مردم را متحد و هدایت می‌کنند.

۷-۴- رهایی جویی و آینده‌پژوهی

یکی از مضامین زندان‌سروده‌های طوقان، به‌ویژه اشعاری که در تبعید سرود، امید به پیروزی و بازگشت فلسطینی‌های آواره به وطن می‌باشد. شاعر بنیاد ستم را سست و لرزان می‌بیند و تلاش می‌کند تا روحیه امید به آینده روشن را در قلب ملت رنج‌کشیده‌اش زنده نگاه دارد. شاعر، وظیفه انسانی خود دانسته که به مردم امید دهد و سرانجامش را قطعاً پیروزی می‌داند. کلام زیبا و دلنشین شاعر در خطاب به آوارگان و زندانیان، وی را به عنوان یکی از رهبران مبارز معرفی می‌نماید؛ رهبری همفکران و احساس مسئولیت در برابر آن‌ها، ویژگی بارز تیپ شخصیتی شش می‌باشد: «سوف تبدو من خلال المحن/من رزایا الوطن/سوف تبدو من ثنایا المعرکه/ودخان الموت یلتف جبالا بجبال/والقرايين بساحات النضال/یطرقون الباب، باب الأبدیة/وبأیدیهم تراب المعرکه/التراب الطیب الطاهر رواه الفداء/هذه الشعلة من قال

یلاشیهاالطغاء الغادرون/البغاة المجرومون/وهی إرث البشریة/هبة الله السخیة».^{۱۳} (طوقان، دیوان ۱۶۴).

او آزادی را آرمان تمام انسان‌ها و نعمتی ارزشمند از سوی خدا می‌داند و بنا بر ویژگی آرمان‌گرایی و تعهد به اعتقاد، در شعر «بعد الکارثة». شخصیتش را چنین نشان می‌دهد: «ستنجلی الغمره یا موطنی/و یمسح الفجر غواشی الظلم/والأمل الظامیء مهمما ذوی/لسوف یروی بلهیب ودم».^{۱۴} (طوقان، دیوان ۱۳۸).

طوقان در چکامه «الی المغرد السجین». پیروزی را به خورشید پشت ابر تشبیه می‌کند که در نهایت رخ می‌نماید: «یا طائری السجین اصدع لنا/رغم هوان القید رغم الظلام/فالأفق مازال غنی المنی/ینتظر الشمس وراء القتام/المجد للنور، فلا تبتئس/والنصر للحریة الرائعة».^{۱۵} (طوقان، دیوان ۳۲۳).

بهار با وجود تمامی فشارها و سختی‌ها، دست از مبارزه برنداشت و تا پای جان تلاش کرد؛ این روحیه مبارزه‌طلبی و مقاومت، از ویژگی‌های اولیه شخصیت اوست:

یک روز کند وزیر، تبعیدم یک روز زند سفیه، بهتانم

۱۳. از میان سختی‌ها و از مصیبت‌های این سرزمین/ از میان معرکه آشکار خواهد شد/ در حالی که دود مرگ، کوه-ها را پیاپی در بر گرفته است/ و فداییان در میدان‌های مبارزه، دروازه‌های ابدیت را می‌کوبند/ و در دست‌ان‌شان خاک میدان است؛ همان خاک پاک و طاهری که جانفشانی و فداکاری، آن‌را سیراب می‌کند/ چه کسی گفته که این شعله را سرکشان دغل‌باز و ستمگران بدکار، از بین می‌برند؟/ حال آن‌که میراث بشریت است و عطای ارزشمند خداوندی.

۱۴. ای وطنم، سختی‌ها از بین خواهد رفت / و سپیده، پرده‌های تاریکی را کنار می‌زند / (نهال) امید تشنه، هر قدر بخشکد، با آتش و خون سیراب می‌گردد.

۱۵. ای پرنده زندانی، با وجود زنجیر و اسارت/ و با وجود تاریکی‌ها، برای ما آواز بخوان/ لافق همواره پر از آرزوهاست و از پس تاریکی و ظلمت، انتظار خورشید را می‌کشد/ بزرگی از آن نور است،/ پس اندوهگین مباش، پیروزی از آن آزادی باشکوه است.

از نعمت دشمنان آزادی گه در ری و گاه در خراسانم
(۳۲۶).

وی به حاکمان ستمکار نهیب می‌زند و رعایت اصل آزادی را به آنان یادآوری می‌کند؛
تردیدش به عملکرد حاکمان، صراحت و شجاعت گفتارش، یادآور تیپ ششم است:
شمع اگر کشته شد از باد مدارید عجب یاد پروانه هستی شده بر باد کنید
جور و بیداد کند عمر جوانان کوتاه ای بزرگان وطن، بهر خدا داد کنید

کنج ویرانه‌ی زندان شد اگر سهم بهار شکر آزادی و آن گنج خداداد کنید
(۴۱۲).

مخاطبش در این شعر، تمامی کسانی است که توان تحقق بخشیدن به این آرمان را دارند؛
تا آنجا که برای دست‌یافتن به آن، حتی از مرگ استقبال می‌کنند. آزادی همیشه و در همه حال،
اوج آمال و آرزوهایش به شمار می‌رود و نغمه شورانگیز لبانش است.
طوقان برای تحقق آزادی، انسان‌ها را به مبارزه علیه ظلم فرامی‌خواند و تا رسیدن به
پیروزی، خاموش نمی‌نشیند؛ این رویکرد، به‌خاطر اندیشه‌های رفیع و روح بلندی است که
شاعر آزادی‌خواه فلسطین دارد. بهار نیز با شرایط سیاسی-اجتماعی زمانش آشناست و دیوان
اشعارش درسنامه آزادگی می‌باشد. بهار، اعتراض به وضع موجود را به‌عنوان یکی از اصول
آزاداندیشی، سرلوحه‌ی هنر و باور خویش قرار می‌دهد. بسیاری از مظاهر آزاداندیشی در شعر
این‌دو شاعر آزاده مشهود است. هر دو شجاعانه از خود و دیگران دفاع می‌کنند و خواهان
رهایی از استبداد هستند. آنان از اهمیت و ارزش عدالت آگاهند و برای آن می‌جنگند؛ این
همه، از ویژگی‌های تیپ شخصیت ششم به‌شمار می‌رود.

۵- نتیجه گیری

ملک الشعراى بهار و فدوى طوقان، از شاعران مبارز و آزادى‌خواهى هستند که برهه‌اى از بهترين سال‌هاى عمرشان را در راه رهاى مملکتشان از استبداد، با خفقان، زندان و تبعيدهاى بسيارى گذراندند و زندان‌سروده‌هاى به يادگار گذاشتند که ويژگى‌هاى شخصيتى آنان را بروز مى‌دهد. بنا بر رويکرد انياگرام که مکتب شخصيت‌هاى نه‌گانه است، شخصيت اين‌دو، تيب ششم به نظر مى‌رسد.

آنان در سروده‌هايشان مضامين مهمى را از جمله عدالت‌خواهى، آگاه‌سازى مردم، مبارزه با استبداد، تکریم شهيدان، وطن‌دوستى و آزادى‌خواهى، جاى دادند. هر دو شاعر دغدغه وطن‌دوستى و حس نفرت از بيگانگان و اشغالگران را فرا روى خویش قرار داده‌اند و در آرزوى آزادى و رهاى مردم خود و ديگر انسان‌ها از ظلم و جور بوده‌اند و براى رسيدن به آزادى، از هيچ کوششى فروگذارى نکردند.

توجه به چنين مفاهيمى، يادآور ويژگى‌هاى تيب ششم مکتب انياگرام است. تيب وفادار، وفاجو و شکاک که با پشتکار و تلاش، در پى هدف خویش حرکت مى‌کند؛ آرمانش را محترم مى‌شمارد و با واقع‌بينى و وفادارى، دوستانش را تکریم مى‌نماید و آنان را براى رسيدن به عدالت و امنيت، متحد مى‌نماید. تيب شش، نسبت به بيگانگان با نگاه ترديد و شک مى‌نگرد و سخت‌سر و حساس است.

فدوى طوقان بر اين باور است که کودکان سهم بسزايى در مقاومت دارند و در مقايسه با پدران مبارزشان، اشتياق بيشتري از خود نشان مى‌دهند. بهار نيز در فکر بيدارى و

آگاهی بخشی به اقشار مختلف مردم است؛ به‌ویژه مردمی که آگاهی سیاسی زیادی ندارند و در برابر سیاست‌های استعماری بیگانگان، عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهند.

References

Abad, Marzieh. *Hbsiyha Poetry in Arab Literature from the Beginning until Now*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Publication, 2001.

Afkhami, Reza, and Mahdieh Ja'fari. "The Personology of Urwa ibn al-Ward al's Personality Type through His Poetry, Based on Enneagram of Personality Theory." *The Quarterly Journal of Lisan-i Mubin*, vol. 10, no. 32 (2018): 21-42.

Ahangar, Katayoon. *Personology Skills: An Introduction to Different Personality Types*. Mashhad: Shahidipoor Publication, 2006.

Al-Khatib, Hesam. *The Horizons of the World and Arab Comparative Literature*. First Edition. Damascus: Dar- Al Fekr Publication, 1999.

Al-khazra Aljiousi, Salma. *Encyclopedia of Palestinian Contemporary Literature*. First Edition. Oman: Dar- Al Fars Publication, 1997.

Al-Moavvash, Sal. *Hbsiyha in Arab Contemporary Literature*. First Edition. Beirut: Dar- Al Nahda Al- Arabieh, 2003.

Alrajehi, Abdeh. *Comparative Literature*. Beirut: Dar-alnahda Al-Arabieh Publication, 2007.

Al-Souafiri, Kamel. *Contemporary Literature in Palestine*. Qahereh: Dar-al Maaref Publication, 1975.

Amin Moghaddasi, Abolhasan. *Comparative Literature with Focus on a Comparison of Mohammad-Taqi Bahar (Known as Malek osh-Sho'arā) and Ahmad Showqi (known as Amir-al-shoara)*. Tehran: The University of Tehran Publication, 2007.

Aryanpoor, Yahya. *From Nima Youshij to the Current Time (A History of Contemporary Persian Literature)*. Tabriz: Zavvar Publication, 2008.

Bahar, Mohammad Taqi. *Poetry Collection*. Edited by Chehrzad Bahar. Tehran: Toos, 1956.

Daqiqian, Parin. *The Psychology of the Nine Personality Types*. Tehran: Ashianeh Publication, 2011.

Farzi, Hamid Reza, and Elham Alipouran Lashkarshekan. "A Comparative Study of Hbsiyha Poetry of Mohammad-Taqi Bahar (Known as Malek osh-Sho'arā) and Nazem Hekmat." *Comparative Literature Studies Quarterly* vol. 5, no. 18 (2011): 111-133.

Fayyaz, Mahdi. *Looking Back to Mohammad-Taqi Bahar*. Edited by Saeed BozorgBigdeli. Tehran: The Institute of Research and Humanities, 2007.

Ghaffari, GholamAli. *A Comparative Study of Hbsiyha Poetry of Mohammad-Taqi Bahar (Known as Malek osh-Sho'arā) and Ahmad Alsafi Alnajafi*. Dissertation, Azad Islamic University, Tabriz Branch, 2010.

Kambel Al-yesooei, Robert B. *Great Figures of Arab Contemporary Literature(Biographies)*. First Edition, Second Volume. Qom: Zavelqorba Publication, 2010.

Karandish, Maryam. "Which Personality Type Are You?" *Woman's MessageJournal*, vol. 10, no. 278 (2015): 56-60.

Meqdadi, Bahram. "Comparative Literature and Its Role in the Dialogue among Civilizations." *Foreign Languages Research Journal*, 13 (2002): 129-149.

Mozaffari, Solmaz, et al. "A Critical Reading of Nostalgia in the Poetry of Fadwa Touqan." *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 22, no.2 (2017): 569-585.

Najm, Seyyed. *Resistance and Fiction in Palestinian Literature: A Case Study of Intifada*. Damascus: Dar- Al Monir.

Nott, Charles S. *Teachings of Gurdjieff: A Pupil's Journal f*. First Edition. London: Routledge & Kegan Paul. 1961.

Qahramani, Ali, and Masoomah Qahramanpoor. "A Comparative Study of the Male Figure in Fadwa Tuqan and Simin Behbahani's Poetry." *The International Conference on Language and Literature, Ray*, Farhangian University, 2016, 1-21.

Sajedi Saba, Tahmoores. "About Comparative Literature." *Foreign Languages Research Journal*, vol. 9, no. 17 (2004): 21-28.

Seyyedi, Seyyed Hasan, and Shirin Salem. "The Representations of Resistance in Fadwa Tuqan's Poetry." *Journal of Resistance Literature*, the Faculty of Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, vol. 6, no. 5&6 (2012): 185-208.

Tuqan, Fadwa. *Poetry Collection*. Beirut: Dar-al Awda, 1978.

---. *Poetry Collection*. Beirut: Dar-al Awda. 1988.

---. *The Complete Poetry Collection*. Beirut: Dar-al Awda, 2005.

Zali, Mohammad. *An Introduction to Enneagram (the Nine Personality Types)*. Tehran: Bina Publication. 2015.

Zarrinkoob, Abdol Hossein. *With HolleConvoy [Ba Karavan-e Holleh]*. Tehran: Elmi Publication, 1993.